

بایسته‌های پژوهشی در مسأله‌ی مهدویت

منصور پهلوان*

چکیده: نویسنده در این گفتار، پس از بیان پیشینه‌ی بایسته‌نگاری پژوهش مهدوی، بایسته‌های پژوهشی در باب مسأله‌ی مهدویت را در ضمن پانزده بخش می‌آورد. از جمله: منشأ عقیده‌ی مهدویت، بررسی اثربرداری اسلام از ادیان دیگر در باب مهدویت، مهدویت نوعی یا شخصی؟ معنا و مفهوم غیبت، بررسی ارتباط ادعاها با مهدویت، مطالعات تطبیقی، اعتبار احادیث مهدویت، متن پژوهی مهدویت، آیین عرض ادب به محضر امام عصر علیه السلام، تفقه در احادیث مهدوی، شرح و تبیین حکمت‌های مهدوی، پژوهش در دعاها و زیارات مهدوی، نظرسنجی علمی در مورد آثار عقیده به مهدویت در جامعه‌ی ما، آسیب‌شناسی نگارش‌های مهدویت و تقویت روح یقین.

کلید واژه‌ها: مهدویت / بایسته‌های پژوهشی / غیبت / متن پژوهی / توقیعات / نگارش‌های مهدوی.

(. مقدمه

۱- ضرورت بحث

اهمیت امر مهدویت بر همگان روشن است. این اهمیت تا آنجاست که به

روایت محدثان اهل تسنن، رسول خدا ﷺ در سخنی جاودانه فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر»^۱. از این رو، دانشمندان شیعه و سنی، درباره‌ی حضرتش صدها کتاب مستقل نگاشته و در ضمن آثار دیگر نیز در این مورد سخن رانده‌اند.

دیدن و شناختن آن همه کتاب، در بدو امر، این نکته را به ذهن می‌آورد که تمام ابعاد و جوانب مهدویت روشن شده و موضوعی برای تحقیق جدید، بر جای نمانده است؛ اما نگاهی ژرف‌تر، ما را از این نظر باز می‌گرداند و ضرورت پژوهش‌های مفصل بعدی را به ما می‌فهماند. این ضرورت، از یک سو، به دلیل اهمیّت و عظمت حقیقت مهدویت است و از سوی دیگر، پیوند آن را با جوانب مختلف زندگی انسانی و شؤون گونه‌گون عقیده اسلامی گوشزد می‌کند. اما مهم‌تر از این دو، کم‌کاری بعضی از پژوهشگران مسلمان در مورد مقدمه‌ی پژوهش - یعنی یافتن موارد ناکاویده یا کم‌کاویده - را نشان می‌دهد. البته گاهی سرعت‌طلبی و کم‌حوصلگی برخی از نویسندگان یا آشنایی اندک آن‌ها به روش و منش علمی در تحقیق نیز به این ضرورت‌ها دامن می‌زند.

فعلاً در این جا از بررسی این علل و عوامل می‌گذریم، که این مقدمه جای آن نیست. به هر حال، این گفتار، در پی آن است که به سهم خود، بخشی از بایسته‌های پژوهشی مهدویت را بنمایاند.

۰-۲) پیشینه

پیش از این، در همین موضوع، پژوهش‌هایی سامان یافته است؛ از جمله:
- مهدویت در نگاه ادیان و مذاهب (بایسته‌ها و موضوعات پژوهشی)
در: خیرنامه‌ی ادیان و مذهب (نشریه‌ی اطلاع‌رسانی انجمن علمی
ادیان و مذاهب حوزه‌ی علمیه‌ی قم)، شماره‌ی ۳، ص ۴-۶.^۲

۱. العرف الوردی، سیوطی، ۲ / ۶۱؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، مقدسی شافعی، ص ۱۵۷؛ متقی هندی، این انکار را در عین آگاهی نسبت به این که عقیده به مهدی جزء سنت نبوی است، می‌داند و نتیجه می‌گیرد که انکار و تکذیب بخشی از سنت قطعی، دلیل بر کفر حقیقی است. (البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، تحقیق مهلهل الیاسین، ج ۲ ص ۸۴۴). بنگرید: مهدویت در قرآن و سنت، غلامحسین تاجری نسب (پایان‌نامه دکتری)، ص ۱۳.

۲. این مقاله را از طریق اینترنت نیز می‌توان باز یافت. رجوع شود به:

- درآمدی بر مسائل سیاسی دکترین مهدویت، دکتر غلامرضا بهروز
لک. ۱ در این مقاله، ضمن ۷ عنوان اصلی، بیش از دویست عنوان
برای پژوهش در باب مهدویت پیشنهاد شده است.

- (۳) این گفتار

در این گفتار، از تکرار موضوعات یادشده در دو مقاله‌ی پیشین صرف‌نظر
می‌شود. هم‌چنین از ذکر برخی مسائل که به نظر می‌آید به اندازه‌ی کافی مورد
تحقیق قرار گرفته، چشم پوشیدیم. برای هر موضوع پیشنهادی، در کمال اختصار،
برخی از نکات و منابع یادآوری شد، تا آغازی بر پژوهش در آن موضوع باشد، نه به
این معنا که نکات و منابع، منحصر در موارد یادشده است. چرا که استقصای تمام
موارد، به زمانی گسترده نیاز دارد، که فعلاً برای نگارنده مقدور نیست.

ارزش این‌گونه گفتارها بر اهل نظر پوشیده نیست. به همین دلیل، به
پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که یافته‌های خود- به ویژه در باب بایسته‌های
پژوهشی مهدویت- را منتشر کنند و دیگران را از آن آگاه سازند. البته ماهیت این
بحث، چنان است که هیچ‌گاه در آن، حرف آخر را نمی‌توان زد. در این مجال، پایان
سخن، پایان‌گوینده‌ی آن است؛ چرا که این حقیقت را نهایت نیست.

تا روزی که انسان زنده است و خورشید بر او می‌تابد و شعله‌ی امید،
روشنگر راه اوست، مشعل این حقیقت نیز برافروخته است. باید آن را هم‌چنان
فروزان بداریم و به آیندگان بسپاریم. و توفیق از خداست و بس.

۱. منشأ عقیده‌ی مهدویت

در مورد منشأ عقیده‌ی مهدویت دوگونه می‌توان سخن گفت:
اول: بروز مشکل و گرفتاری، ظلم‌های ظالمان، نابسامانی‌های اجتماعی و

مانند آن، خاستگاه اندیشه‌ی مهدویت است؛ بدان معنی که قبل از چنین مواردی، این اندیشه وجود نداشته است.

دوم: آرمان و امید به آینده‌ی انسان، آینده‌ی روشن و بسامان، در نهاد تمام آدمیان هست. اساساً انسان به امید زنده است، چه در عرصه‌ی زندگی فردی و چه در صحنه‌ی اجتماعی؛ ولی عقیده‌ی مهدویت و امید به آینده، مانند آتشی زیر خاکستر است که در هنگام بروز نابسامانی‌ها، از میان لایه‌های هزارتوی درون انسانی سر برمی‌آورد و به انسان، حیات مجدد معنوی می‌بخشد.

مشابه این بحث در مورد توحید- به گونه‌ای دیگر- مطرح است. واقعیت این است که در هنگام مشکلات، مانند فقر و عجز، انسان به یاد خدا می‌افتد. حال، آیا از این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که عقیده به توحید، ناشی از عجز و ضعف و جهل است؟ یا این که نتیجه بگیریم توحید، عقیده‌ای است فطری که در نهاد انسان موجود است؛ ولی در هنگام بروز مشکلات، انسان ناتوانی و ناداری خود را بهتر می‌یابد و بیشتر به خدای بزرگ روی می‌آورد. همین گونه است مبانی اخلاقی. در زمانی که انسان با دروغ و خُلف وعده‌ی دیگران روبه‌رو می‌شود، ارزش راست‌گویی و وفا به وعده را به یاد می‌آورد؛ ولی هیچ فرد عاقلی، منشأ فضیلت راست‌گویی را دروغ‌گویی دیگران نمی‌داند.

تبیین و بررسی این مطلب، نکته‌ای را که در بسیاری از منابع- به ویژه آثار خاورشناسان و برخی از معاصران اهل تسنن- آمده، روشن می‌سازد.

۲. اثرپذیری اسلام از ادیان دیگر در باب مهدویت

عقیده به مهدویت در اسلام- دست کم در کلیات آن- با عقیده به منجی در ادیان دیگر تشابه دارد. آیا این شباهت را می‌توان دلیل بر آن گرفت که این عقیده از ادیان دیگر به اسلام، سرایت و نفوذ کرده است؟ جمعی از خاورشناسان- و به تبع آنان، گروهی از دانشمندان اهل تسنن- این مطلب را عنوان کرده‌اند.

این مسأله نیاز به پژوهش جدی دارد. در این پژوهش توجه به چند نکته ضروری است:

۱-۲) آیا شباهت یک نکته در دو مکتب، الزاماً به معنی اقتباس یکی از

دیگری است؟ در این صورت، تکلیف ارزش‌های اخلاقی - که کلیات آن، صرف نظر از جزئیات و مصادیق، میان تمام انسان‌ها مشترک است - چه می‌شود؟

۲-۲) برخی از دانشمندان اهل تسنن که این نکته را در کتاب‌های خود، با تفصیل و تطویل آورده‌اند، آیا از خود پرسیده‌اند که اصل بحث «خداپرستی»، «اعتقاد به ضرورت پیامبر» و «عقیده به قیامت» - صرف نظر از جزئیات آن‌ها - در میان یهودیان و مسیحیان هم وجود دارد. پس چگونه به این سه اصل، ایمان می‌آورند؟ چرا در آن‌جا احتمال نمی‌دهند که اصول یادشده، از ادیان پیشین به اسلام نفوذ کرده و جزئیات آن تغییر یافته باشد؟

۲-۳) باز هم به همان اندیشمندان اهل قبله می‌گوییم: آیا تحریف یک دین به معنای تغییر تمام مطالب آن است؟ نظریه‌ی دیگر این است که بخشی از مطالب آن دین، بدون تغییر، باقی می‌ماند؛ ولی تحریف‌کنندگان، یک یا چند کلمه‌ی کلیدی آن را عوض می‌کنند و با همان تغییر، تمام محتوای الهی دین را به سمت و سوی دیگر برمی‌گردانند.

۲-۴) اساساً اصالت دادن به تاریخ و بررسی همه‌ی قضایا از این زاویه، یکی از لغزش‌گاه‌های پژوهش است که با آن، می‌توان دو یا چند مطلب را از چهار گوشه‌ی جهان - بدون دلیل منطقی - به هم پیوند داد یا اقتباس یک مکتب از مکتب دیگر را به عنوان تئوری ارائه کرد. بدیهی است که در دنیای اطلاعات - که همه در پی سخن جدید به هر سو می‌دوند - هر سخن جدیدی خریدارانی می‌یابد. باید دقت شود که استقبال از یک تئوری به معنای حقیقت آن نیست. تبیین جوانب مختلف این بحث، و بررسی بیطرفانه‌ی شواهد مختلف، ضرورت دارد.

۳. مهدویت نوعی یا شخصی؟

در روایات مختلف، به گونه‌های مختلف درباره‌ی حضرت مهدی علیه السلام سخن رفته است؛ گاهی به اجمال و گاه به تفصیل، گاهی کلی و گاه جزئی. برخی از نویسندگان، این مطلب را، دلیل بر «مهدویت نوعی» دانسته‌اند؛ یعنی نتیجه گرفته‌اند که مراد از «مهدی» در روایات، شخصی خاص نیست؛ بلکه هر کسی که به احیای دین کمک کند، همان مهدی موعود است. بعضی دیگر نیز قائل شده‌اند که

در هر زمان، یک «مهدی» می آید و مردم را به دین فرا می خواند.
تحقیق در این امر، ضرورت دارد. در این جا فقط چند نکته ی مهم را تذکر
می دهد.

۳-۱) قدر مسلم این است که شیوه ی بیان پیامبران- از جمله حضرت
خاتم الأنبياء ﷺ بدین گونه بوده که در مورد هر حقیقتی، بخشی از آن را به اقتضای
مجلس و مخاطبان و وضعیّت و جوانب بیان داشته اند، چنان که حضرت رسول
خدا ﷺ فرمود:

نحن معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلّم الناس على قدر عقولهم.

بدین جهت، در مورد حضرت مهدی ﷺ نیز با رعایت تمام این جوانب سخن
گفته اند. البتّه نقش راویان را نیز نمی توان نادیده گرفت که گاهی تمام دانسته های
خود را به نسل بعدی منتقل نمی کردند و ممکن است برخی اجمال و تفصیل ها،
نتیجه ی تفاوت در درجه ی نقل مطالب باشد. به هر حال، عقل حکم می کند که در
این گونه موارد، باید تمام احادیث وارده در موضوع مربوط، استقصاء شود، آن گاه
پس از بررسی، زمینه ی قضاوت فراهم آید. به نظر می رسد که در ترویج نظریه ی
مهدویّت نوعی، قصور در تبیین مطالب، به علاوه ی نوعی تأویلات عرفانی دخیل
باشد.

۳-۲) اهمیّت بررسی و تبیین این مطلب در این نکته است که اگر «مهدویّت
شخصی» را بپذیریم، ادّعاهای مدّعیان مهدویّت یا شهرت منسوبان به مهدویّت، ما
را از ادامه ی راه باز نمی دارد؛ چرا که در پی ویژگی های خاصّ خواهیم بود.

۳-۳) شبیه این بحث در توحید مطرح است، با دو دیدگاه: اوّل این که معبود
انسان ها، یک مفهوم کلی است که هر کسی بتواند به خود اجازه دهد در وصف او
هر چه می خواهد بگوید. دوم این که او، منزّه از این گونه اوصاف منسوب به نقص
است که وصف او را فقط باید از زبان خودش یا کتاب محکم آسمانی (قرآن) یا
حجّت های معصوم او شنید. طبعاً لازمه ی قبول معبود بحق با چنین ویژگی هایی،
کفر ورزیدن به دیگر مدّعیان الوهیّت است. لذا خدای حکیم در وصف مؤمن
راستین می فرماید:

فَن يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ.

این‌گونه برخورد، با هوای نفس سازگار نیست و طبع انسان، گزینه‌ی آسان‌تر را پی می‌گیرد. اما بر اهل نظر پوشیده نیست که دعوت به معبود باطل یا قبول آن، چه پیامدهای خطرناکی در پی دارد.

۴. معنا و مفهوم غیبت

۴-۱) معنا و مفهوم غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟ آیا پیامبران و امامان پیشین غیبت داشته‌اند؟ اساساً آیا غیبت حجت خدا، خدشه‌ای در حجیت او وارد می‌آورد؟ (مثلاً در روزهایی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسیر هجرت به مدینه، در غار به سر می‌برد و مردم از حضرتش بی‌خبر بودند، آیا در آن چند روز، نبوت حضرتش خدشه دار شد؟) آیا ایمان ما، به جسم پیامبر و امام است یا به مقامات معنوی آنان که به طور کلی، قابل احساس به حواس پنج‌گانه نیست؟ آیا تعبیراتی که در مورد پیامبر رسیده که ایمان مسلمانان امروز به حضرتش را می‌رساند- مانند «آمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ» یا «آمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرِهِ» و مانند آن- قابل تعمیم به حضرت مهدی صلوات الله علیه نیست؟ قرآن در این زمینه چه می‌گوید؟ این موضوع، خود می‌تواند عنوان یک پژوهش دراز دامن باشد.

۴-۲) در این زمینه، متون کهن و معتبر مهدویت- به ویژه کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» نوشته‌ی مرحوم شیخ صدوق- منبعی بسیار ارزشمند است؛ به ویژه مقدمه‌ی مصنف بر آن که بیش از ۱۲۰ صفحه در بر دارد. این کتاب نفیس، کمتر مورد پژوهش جدی قرار گرفته است؛ در حالی که درون‌مایه‌ی آن، ارزش توجه جدی‌تر و بیشتر دارد. از یاد نبریم که فهم صحیح از معنای غیبت، ما را برای فهم دقیق معنای امامت حضرت مهدی علیه السلام در این دوره، کمک می‌رساند، همان‌گونه که درک نادرست از آن، می‌تواند زمینه‌ساز انحراف‌های ژرف و درازمدت شود؛ چنان‌که نمونه‌هایی از این مطلب را در طول تاریخ دیده‌ایم.

۵. بررسی ارتباط ادعاها با مهدویت

برخی از منکران عقیده‌ی مهدویت، وجود مدعیان و منسوبان مهدویت و کارنامه‌ی زشت آن‌ها را دلیل بر بطلان عقیده‌ی مهدویت داشته‌اند. در برابر اینان، باید میان اصل یک عقیده و سوء استفاده از آن تفکیک قائل شد. وقتی آب جریان می‌یابد، در کنار زلال جاری آن، آلودگی‌ها و زباله‌هایی نیز پیش می‌آید. هیچ‌گاه یک فرد عاقل، آن آلودگی‌ها را دلیل مضر بودن آب نمی‌داند. آیا وجود مدعیان الوهیت (مانند فرعون و نمرود) یا منسوبان به الوهیت (مانند حضرت عیسی علیه السلام) را می‌توان بر بطلان اصل توحید، دلیل گرفت؟

همین‌گونه وجود مدعیان نبوت یا منسوبان به آن، دلیل بر بطلان اصل نبوت نیست. اساساً شاید بتوان گفت که وجود این‌گونه مدعیان و منسوبان، خود، دلیل بر حقیقت مهدویت شخصی است که کسانی به جای مهدی راستین، ادعای مهدویت می‌کنند.

پژوهش در این مورد، علاوه بر روشنگری بخشی عمده از تاریخ اسلام، اثر مهم عقیده‌ی مهدویت بر فرهنگ اسلامی را در طول تاریخ، نشان می‌دهد.

۶. مطالعات تطبیقی

۶-۱) یکی از شیوه‌های مطالعات پژوهشی جدید، مطالعات تطبیقی است که در دنیای امروز، کاربرد فراوان دارد. محور این مطالعات تطبیقی، می‌تواند یک مکتب، یک کتاب مهم و یا یک شخصیت اثرگذار باشد. از باب نمونه، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- منجی در دیدگاه اسلام و سایر مکاتب (به تفکیک مکاتب)؛
- دیدگاه‌های ابن‌خلدون: موافقان و مخالفان او؛
- دیدگاه‌های احمد امین مصری: موافقان و مخالفان او؛
- دیدگاه‌های گلدزیهر، هانری کورین، فان فلوتن، اتان کلبرگ (و دیگر خاورشناسان به تفکیک آن‌ها): موافقان و مخالفان؛

۶-۲) در این‌گونه موارد، می‌توان عناوین زیر را پی گرفت:

- درک اصل پیام، از زبان و قلم گوینده اصلی آن یا نزدیک‌ترین منابع به آن؛

- بررسی علمی مستندات آن مدّعا؛

- ریشه‌یابی مدّعا؛

- بررسی سخنان موافقان و مخالفان، از جهت استناد، دقت علمی و...؛

- سنجش دو گروه مطلب، به میزان عقل، قرآن، سنّت معتبر؛

- نتیجه‌گیری علمی و بیطرفانه، بدون تعصّب و بدون بدگویی به یک

طرف، در عین آمادگی برای شنیدن سخنان بیشتر در همان موضوع.

۶-۳) به هر حال، نمونه‌هایی از کارهای علمی در مورد موضوعات یادشده موجود است که در منابعی مانند کتاب‌نامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام (نوشته‌ی آقای مهدی پور)، کتاب مرجع مهدویت (مؤسسه‌ی پارسا)، فرهنگ‌نامه‌ی موعود، (مؤسسه‌ی موعود) می‌توان یافت. اما با گسترش امواج ارتباط و اطلاع‌رسانی در سطح جهانی، این کار همواره ضرورت دارد و باید پیگیری شود؛ البته پس از آگاهی از کارهای پیشین و به قصد تکمیل یا روزآمد ساختن آن‌ها.

۶-۴) در این زمینه، در سال‌های اخیر، مقالات زیر نوشته شده است:

- مهدویت از دیدگاه دین‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی: میرچا الیاده،

ترجمه‌ی بهروز جندقی، فصلنامه‌ی انتظار، شماره ۶ و ۷؛

- مقاله‌ی امام قائم، نوشته‌ی ترهار Terhaar ترجمه‌ی حسین

مسعودی، نقد و بررسی: نصرت‌الله آیتی، در مجموعه‌ی مقالات

«تصویر امامان شیعه در دائرةالمعارف اسلام»، قم: مؤسسه‌ی

شیعه‌شناسی، ص ۴۵۵-۴۶۵؛

- موعود پیروز، نوشته‌ی بهروز بیک علیزاده و مرتضی دهقان در

ماهنامه‌ی موعود، شماره‌ی ۱۹ و ۲۰، ترجمه و نقد و بررسی مدخل

«مهدی» از دائرةالمعارف بریتانیکا.

۷. اعتبار احادیث مهدویت

در مورد اعتبار احادیث مهدویت در میان دانشمندان شیعه و سنی، بحث‌هایی جریان دارد، که بهتر است جداگانه در مورد آن گفت‌وگو شود.

۷-۱) احادیث اهل تسنن

ملاک صحت حدیث از نظر محدثان اهل تسنن چیست؟ برخی از این محدثان، تنها شرط صحت حدیث را نقل آن توسط بخاری و مسلم دانسته‌اند. اینان حتی در مورد احادیث موجود در تفاسیر مآثور مانند تفسیر طبری و کتب تاریخی مانند تاریخ بغداد، عقیده دارند که اصل بر ضعف حدیث است مگر آن که خلاف آن ثابت شود.

این گروه بر مبنای خود، احادیث مهدویت را ضعیف می‌دانند، مگر به آن اندازه که در صحیح بخاری و مسلم آمده است.

اما در برابر اینان، جمعی دیگر از محدثان اهل تسنن بر این عقیده‌اند که در صورت التزام به چنین شرطی، برای بسیاری از احکام شرعی و عقاید دینی، مستندی معتبر نمی‌توان یافت. بلکه مواردی می‌توان یافت که حدیثی بر مبنای رجالی بخاری و مسلم صحیح باشد، گرچه در کتاب آن‌ها نتوان یافت. محمود ابوریثه، مبنای این گروه را در آثار خود به خوبی تبیین کرده است.

به علاوه، بسیاری از محدثان اهل تسنن، احادیث مهدویت را متواتر می‌دانند و بدیهی است که در مورد حدیث متواتر، ضعیف بعضی از طرق آن، سبب ضعف حدیث نمی‌شود.

به هر حال، نقد و بررسی مبنای ارزیابی اعتبار احادیث، مقدمه‌ای مهم است برای کاری مهم دیگر که بررسی اعتبار احادیث مهدویت است.

۷-۲) در نظر شیعه

در تاریخ علم الحدیث شیعه، دو مبنای برای بررسی احادیث وجود دارد که به مبنای متقدمان و مبنای متأخران مشهور است. برخی از نویسندگان که به بهانه‌ی

مبنای متأخران به ارزیابی احادیث مهدویت پرداخته‌اند، فقط شمار اندکی از این احادیث را صحیح دانسته‌اند. سلسله مقالات، «دفاع از احادیث مهدویت»^۱ به بررسی این مطالب پرداخته است. اما جای کارهای جدی‌تر در این زمینه، در دو مرحله (ابتدا بررسی مبنا و سپس بررسی احادیث) هنوز خالی است.

۸. متن پژوهی مهدویت

۸-۱) در زمینه‌ی مهدویت، با وجود چاپ بسیاری از متون کهن، هنوز جای خالی «متن پژوهی» به خوبی دیده می‌شود. در این وادی، مراحل‌ی باید طی شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱) کتاب‌شناسی (۲ نسخه‌شناسی ۳) نسخه‌یابی (۴) چاپ تحقیقی متون کهن بر اساس نسخه‌های صحیح‌تر (۵) پژوهش در متون، با نگرش علمی و روزآمد (۶) نقد و بررسی متون (۷) تدوین گزیده‌های مناسب برای سطوح مختلف سنی، علمی و طبقات مختلف (۸) پیوند میان این متون با کتاب‌های درسی دانش‌آموزان. ۸-۲) دانش‌آموزان امروز ما، در طی دوره‌ی آموزشی خود، با خواندن قطعاتی برگزیده از متون ادبی و تاریخی، دست‌کم با نام و نشان این کتاب‌ها و پدیدآورندگان آن‌ها آشنا می‌شوند و این خود، مقدمه‌ای می‌شود برای آشنایی بیشتر که در مراحل بالاتر به دست می‌آید. اما باید اقرار کرد که همین دانش‌آموزان، در طول این دوره، هیچ‌گاه از کتاب‌هایی مانند: کمال‌الدین صدوق، غیبت شیخ طوسی، غیبت نعمانی، کشف‌الاستار، منتخب‌الانوار المصیئه، منتخب‌الاشتر، مکیال‌المکارم و مانند آن‌ها نام و نشانی در ذهن خود ندارند. این عامل، خود سبب می‌شود که در مراحل علمی بالاتر نیز این کتاب‌ها هم‌چون نام و نشان آن‌ها و نویسندگانشان مهجور بماند و به آن‌ها مراجعه نشود. بدین ترتیب، نام پدیدآورندگان این آثار، از صفحه‌ی تاریخ ادبیات این مرز و بوم محو یا کم‌رنگ می‌شود، با این که بیشتر آنان از دانشمندان ایران‌زمین بوده‌اند.^۲

۱. نوشته‌ی آقای مهدی حسینیان قمی، در فصلنامه‌ی انتظار، که به نقد یکی از معاصران بر روایات جلد

۵۱ تا ۵۳ بحارالانوار، پاسخ گفته است.

۲. این نکته به معنای نگاه ناسیونالیستی به عقیده‌ی مهدویت نیست، بلکه به معنای جایگاه این عقیده ←

طبیعی است که تا وقتی گزیده‌هایی فارسی از این متون-برآمده از ذوق سلیم و تجربه‌ی کهن و نثری روان و قلمی فاخر و بیانی استوار- در قالب جزوه‌هایی خوش‌خوان و زیبا در اختیار نسل جوان نباشد، نباید انتظار داشت آنان در سال‌های بعد، در دانشگاه به این متون روی آورند؛ چرا که دیگران متاع خود را به صورتی جذاب‌تر و دل‌فریب‌تر عرضه کرده‌اند.

این نکته در مورد دانشجویان و برنامه‌های درسی آنان نیز در سطح خود، صادق است. البته انتخاب، در این جا حسّاس‌تر است و مخاطب‌شناسی (شناخت نیازهای مخاطب) ضرورت بیشتر می‌یابد.

۸-۳) در برنامه‌های درسی حوزه‌ها نیز، جای آشنایی با این متون خالی است؛ در حالی که دست کم برای آشنایی با قواعد صرف و نحو، می‌توان بخش‌هایی از این کتاب‌ها را در متون درسی گنجانید. سیر تاریخی عقیده‌ی مهدویت و ثبات قدم شیعه‌ی امامیه در این عقیده در طول یازده قرن، دست‌مایه‌ی متون درسی کلام و عقاید در سطوح مختلف تواند بود، امری مهم که تاکنون چندان بدان بها داده نشده است. این امر توجه ویژه می‌طلبد، به ویژه در این زمان که هجوم فزاینده‌ی اندیشه‌های دیگر، بیداد می‌کند.

۸-۴) یکی از نتایج این کار، «بازسازی کتب مفقوده» است؛ یعنی منابعی که در اختیار دانشمندان سده‌های پیشین بوده و در کتاب‌های خود، از آن‌ها نقل کرده‌اند. مثلاً کتاب یا کتاب‌های جناب فضل‌بن شاذان نیشابوری در باره‌ی حضرت مهدی علیه السلام، اهمّیت فراوان دارد، هم به لحاظ اعتبار و وثاقت ایشان، هم از آن رو که خود، زمان چهار امام معصوم (امام رضا تا امام عسکری علیهم السلام) را درک کرده، و هم از آن جهت که قبل از تولّد حضرت مهدی علیه السلام در گذشته که شایبه حدیث‌سازی را از میان می‌برد. خوشبختانه می‌توان بخش عمده‌ای از احادیث فضل‌بن شاذان را در آثار موجود پیشینیان یافت و به بازسازی کتاب‌های او اقدام کرد.^۱

← در فرهنگ دیرینه‌ی این مرز و بوم است. طبعاً مواردی مانند غیبت نعمانی و کشف المحجّه ابن طاووس نیز به عنوان دانشمندان شرقی- بلکه بزرگان کشور همسایه، عراق- باید آشنای اذهان جوانان ما باشند.
۱. تلاش‌ها و تجربه‌های استاد رسول جعفریان در زمینه‌ی بازسازی کتب مفقوده‌ی شیعی، می‌تواند در این کار، مورد استفاده قرار گیرد.

۸- ۵) در باب کارهای انجام شده در این فصل، به چند نمونه اشاره می شود:

شناخت متون

- مقاله‌ی «الغیبة شیخ طوسی» نوشته‌ی عباس اسماعیل زاده، فصلنامه‌ی علوم حدیث، شماره ۴۰ ص ۱۲۳-۱۳۸.
- سلسله‌ی مقالات «نعمانی و مصادر غیبت» نوشته‌ی سید محمد جواد شبیری زنجانی، فصلنامه‌ی انتظار، شماره‌ی ۲ به بعد.
- سلسله‌ی مقالات «سیری در کتاب کمال الدین و تمام النعمة» نوشته‌ی نجم الدین طبسی، فصلنامه‌ی انتظار، شماره ۷ به بعد.
- منفردات کتاب کفایة المهتدی، نوشته‌ی سید محمد روحانی، فصلنامه‌ی انتظار شماره ۶ و ۷.

بازنویسی متون

سلسله کتاب‌های «بازنویسی منتهی الآمال»، نوشته‌ی عبدالحسین طالعی. تهران: نیا، ۱۳۸۲. این سلسله شامل ۶ دفتر است که بازنویسی باب چهاردهم منتهی الآمال محدث قمی را به زبان فارسی روان، همراه با بیان مصادر احادیث و توضیحات ضروری به عهده دارد.

گزیده‌ی متون

کتاب «گل سوره‌های انتظار»، نوشته‌ی عبدالحسین طالعی و محمد حسین صفاخواه. تهران: مدرسه‌ی برهان، ۱۳۸۱. این کتاب، شامل ۱۲۰ قطعه‌ی برگزیده از کتاب کمال الدین شیخ صدوق است که برای سطح جوانان (مقطع دبیرستانی) تهیه و بارها چاپ شده است.

تحقیق و نشر متون

مطلع الانوار، آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی (م ۱۳۷۰ هجری قمری) با مقدمه‌ی فرزند مؤلف شیخ مهدی فقیه ایمانی، مشهد: فاطمیّه‌ی نور، ۱۴۱۲ قمری.

این کتاب، مجموعه‌ی ۷ رساله از رسائل مؤلف در باب امام عصر علیه السلام است که ۲۶ کتاب درباره‌ی حضرتش نگاشته است. در میان این مجموعه، علاوه بر ۷ رساله‌ی یادشده، کتاب فوز اکبر، و کتاب لواء الانتصار چاپ شده و بقیه این آثار، منتشر نشده‌اند.

۹. آیین عرض ادب به محضر امام عصر علیه السلام

۹-۱) امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حجّت خداست. راه یافتن به حریم الاهی، از یک سو، آسان است؛ چراکه او نسبت به ما، «أقرب من جبل الوریث» است. و از سوی، آیین خاصّ خود را می‌طلبد؛ چراکه او ملک الملوک و عظیم العظماء است. بدین‌رو، برای تقرّب به خداوند متعال، باید شیوه‌ی خاصی در پیش گرفت، مبدا اسائه‌ی ادب، ما را در معرض سخط خداوند متّان قرار دهد.

۹-۲) امام عصر عجل الله تعالی فرجه نیز که حجّت و خلیفه‌ی خداست، هم چون پدری مهربان- بلکه مهربان‌تر از پدر- در هر لحظه، حتی در زمان روسیاهی ما از گناهان بزرگ، پذیرای ماست؛ ولی باید به یاد داشته باشیم که آن امام هم‌ام، امروز به اذن الاهی، مالک تمام ماسوی الله است. پس صمیمیت پدران‌هی حضرتش به ما، نباید آیین خاصّ عرض ادب نسبت به ایشان را از یاد ما ببرد.

۹-۳) در زمان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، جمعی از معاصران حضرتش که صمیمیت و مهربانی حضرت رحمة للعالمین را نسبت به خود، می‌دیدند، بدون رعایت ادب با آن بزرگ بزرگان سخن می‌گفتند و رفتار می‌کردند، که آیات الاهی در نهی از این کارها نازل شد؛ از جمله آیات ۱ تا ۵ سوره‌ی حجرات و آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی نور، که آنان را از رفتارهای سبک و بی‌ادبانه نسبت به پیامبر باز می‌داشت.

۹-۴) در میان احادیث مربوط به امامان پیشین علیهم السلام نیز می‌توان مواردی از برخوردهای اصحاب مقرب را با آن بزرگواران یافت که این شیوه و آیین را به‌گونه‌ی عملی می‌آموزد.

۹-۵) استخراج این‌گونه موارد، می‌تواند ما را در مسیر تقرّب به امام زمانمان عجل الله تعالی فرجه یاری رساند. هم‌چنین می‌تواند مسیر کارهایی مانند شعر سرودن در وصف آن حضرت و برپایی مجالس به یاد حضرتش را اصلاح و تصحیح کند؛ چرا

که ضابطه‌ی صحیح در این مورد را، در گنجینه‌ی گران‌بهای قرآن و احادیث معتبره می‌توان یافت، که البته نیاز به پژوهشی جدی و کارآمد دارد.

۹-۶) در این زمینه، کتاب کوچک و ارزشمند «صدایت می‌زنم، سلامت می‌دهم، دعایت می‌کنم» نوشته‌ی محمد باقر انصاری زنجانی (قم: دلیل ما، ۱۳۸۵) قابل ذکر است.

۱۰. تفقه در احادیث مهدویت

۱۰-۱) کلمات نورانی پیامبر خاتم و حضرت صدیق‌های کبری و امامان معصوم علیهم‌السلام، در عین زیبایی و فصاحت، بس ژرف و پرمعنی است، که همواره از آن نکات جدید می‌توان آموخت.

امامان معصوم علیهم‌السلام، خود، ما را به درایت در این احادیث - بیش از روایت آن‌ها - امر فرموده‌اند. در مثل می‌توان هر حدیث را به یک معدن پر بار، مانند دانست که لایه‌های مختلف آن، سرشار از ثروت‌های خداداد است. اما روایت (نقل یا ترجمه‌ی ظاهر الفاظ) فقط در حد استخراج یک لایه‌ی این معدن است، همان لایه که به زمین نزدیک‌تر است. بدیهی است که استخراج لایه‌های دیگر، به همان میزان که انسان را به فرآورده‌های جدید می‌رساند، به زحمت و تلاش بیشتر نیاز دارد و البته خالی از خطر نیست که دفع آن خطرهای احتمالی، خود، تدابیر دیگر می‌طلبد. اما ثمرات کار، چنان است که به تمام آن تلاش‌ها می‌ارزد. اکتفا کردن به ظاهر حدیث، مانند آن است که به لایه‌ی سطحی معدن، دل خوش داریم و از لایه‌های دیگر غافل شویم، یعنی که از دیگر ثمرات آن معدن، محروم گردیم.

۱۰-۲) از زاویه‌ی دیگر می‌توان به این حقیقت توجه کرد:

برخی از صاحب‌نظران، در تحلیل‌های اجتماعی خود می‌گویند که داشتن امکانات فراوان، در بیشتر موارد، به زیان فرد یا جامعه‌ی صاحب امکانات، تمام می‌شود؛ چرا که به سبب داشتن امکانات سهل الوصول، «عقلانیت اقتصادی» (یعنی بهره‌وری بهینه از امکانات محدود برای نیازهای گسترده و تقریباً نامحدود) را از دست می‌دهد.

در برخورد ما با احادیث و بهره‌وری ما از آن‌ها، گاهی این حقیقت تلخ دیده

می‌شود. البته ظاهر الفاظ احادیث (یا لایه‌ی سطحی معدن) زیباست و ثروتی خداداد است؛ اما مباد که ما برای فرار از تلاش و زحمت بیشتر، از این امانت - که به بهای خونِ دل خوردن و رنج سفر خریدنِ راویان پیشین به دستمان رسیده - بهره‌ی کم ببریم. دریغاً! که گاهی بر خورد ما با احادیث، مصداق شعر شاعر را به یاد می‌آورد که گفت:

هر که او ارزان خرد، ارزان دهد گوهری، طفلی به قرصی نان دهد
۱۰-۳) عدم توجه به لایه‌های باطنی و درونی احادیث و اکتفا به ظاهر الفاظ و تکرار آن‌ها، گاهی اوقات ما را به این پندار غلط می‌رساند که احادیث، تکراری است و پیام تازه ندارد. همین توهم نادرست، برخی از پژوهشیان را به اعجاب نسبت به دستاوردهای خاورشناسان وامی‌دارد، که خالی از خطاهای سهو یا عمد، تصحیف یا تحریف، سوء فهم و مانند آن نیست.

شاید ارزش این احادیث را زمانی بهتر می‌دانستیم که برای دست‌یابی به یکی از آن‌ها، مانند پیشینیان، رنج سفر به جان می‌خریدیم و جان در کف می‌نهادیم و آماده‌ی پذیرش خطرها می‌شدیم.

به هر حال، اگر امروز هم تمام آن مسائل را در نظر آوریم، و با نگاه «عقلانیت اقتصادی» به این ثروت خداداد بنگریم، آن‌گاه رنج تلاش مناسب با آن گنج را بر خود هموار می‌کنیم؛ همان‌گونه که فقهای امامیه رضوان‌الله‌علیهم، از سده‌های پیشین تاکنون، در مورد احادیث ابواب احکام عمل کردند.

۱۰-۴) حال، سخن در این است که در باب معرفت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و عقیده‌ی پر بار مهدویت، گنجینه‌های غنی شامل هزاران حدیث در اختیار شیعه‌ی امامیه قرار دارد، که هنوز آن‌گونه که شاید و باید، برخورد فقهاتی و درایتی با آن‌ها نشده است. نمونه‌های معدودی مانند کتاب نفیس «مکیال المکارم» نوشته‌ی مرحوم آیت‌الله میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی^۱ می‌تواند در این کار، سرمشق و الگوی مناسبی باشد. خوشبختانه میانی سلیم و صحیح فقاقت با تلاش پیگیر

۱. برای آشنایی با ژرف‌نگری‌های فقهی، رجالی، حدیثی، اعتقادی و... در این کتاب، بنگرید: راهنمای موضوعی مکیال المکارم، نوشته‌ی عبدالحسین طالع، تهران: مکیال، ۱۳۸۰.

فقیهان امامی، نسل به نسل منتقل شده و به دست پژوهشگران امروز رسیده است. بر اساس این مبانی، باید هم‌چنان به نتایج افزون‌تر از احادیث مهدویت برسیم؛ خصوصاً در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های جدید و گشودن باب مطالعات تطبیقی میان اسلام و سایر مکاتب، که ضرورت آن، امروز بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود.

۱۱. شرح و تبیین حکمت‌های مهدوی

۱۱-۱) به دلیل غیبت حضرت بقیة الله ارواحنفا، روایات معدود و محدودی از ناحیه‌ی مقدّسه‌ی حضرتش به دست ما رسیده است.^۱ ولی همان کلمات معدود و محدود، چراغ راه هدایت و مشعلی در سلوک طریق ولایت است. با این همه، متأسفانه در بعضی از کتاب‌های مربوط به کلمات معصومان علیهم‌السلام، هیچ نشانی از این حکمت‌های درخشان مهدوی نمی‌بینیم، تا آن‌جا که شاید خواننده‌ی آن گروه از کتاب‌ها بپندارد که امامت به امام عسکری علیه‌السلام ختم شده است! ۱۱-۲) در زمینه‌ی حکمت‌های مهدوی، بیشتر کارهایی که انجام شده، از مقوله‌ی روایت بوده، یعنی تدوین مجموعه‌های غیر مستقل یا مستقل در این مورد.^۲ اما در مورد شرح این کلمات حکمت‌آمیز، تلاش چندانی صورت نگرفته و تنها کتاب شناخته شده و انتشار یافته در این مورد، کتاب سه جلدی «المختار من کلمات الإمام المهدی علیه‌السلام» نوشته‌ی آیت الله شیخ محمد غروی است که پانصد جمله از میان توقیعات حضرتش را برگزیده و در شرح هر کدام، به اختصار - اما به دقت - سخن گفته است.^۳ هم‌چنین کتاب «چهل سخن» در سطح عمومی و به زبان فارسی، که چهل حدیث حضرتش را با شرح و توضیح بسیار کوتاه آورده است.^۴

۱. اگر طول عمر حضرتش را در نظر بگیریم، اندک بودن این نسبت، روشن می‌شود.

۲. مجموعه‌ی غیر مستقل مانند باب توقیعات در جلد ۵۳ بحارالانوار، مجموعه‌ی مستقل مانند کلمة الامام المهدی علیه‌السلام نوشته‌ی شهید آیت الله سید حسن شیرازی. از ترجمه‌ی فارسی این اثر، یک جلد توسط نشر آفاق منتشر شده، که طبق وعده‌ی ناشر قرار است در سه مجلد (با تکمیل و استدراک) عرضه شود.

۳. در مورد این کتاب نفیس، در یکی از شماره‌های آینده‌ی سفینه، سخن خواهد آمد. إن شاء الله.

۴. نوشته‌ی مهدی شیرازی، چاپ تهران: انتشارات ریحان، ۱۳۸۳.

ولی انصاف این است که در مورد این گنج شایگان و نعمت رایگان، بسیار بی‌انصافی کرده‌ایم و شکر این نعمت را - چنان که باید و شاید - نگزارده‌ایم. بخشی از این پرسش که: «امام عصر علیه السلام در زمان غیبت به چه کار می‌آید؟» از همین طریق پاسخ داده می‌شود.

۱۱-۳) البتّه در کنار این کار مهم، پژوهشی در مورد حجّیت توقیعات ضرورت دارد، که با رعایت تمام موازین فقهی و کاش‌های فقیهانه باید انجام شود.

۱۲. پژوهش در دعاها و زیارات مهدوی

۱۲-۱) دعاها و زیارات، گنجینه‌ی سرشار معارف و حقایق والای الهی است. دریغاً! که این گنج بی‌رنج به دست ما رسیده و شاید به همین سبب، قدر آن مجهول مانده است. در این میان، دعاها و زیارت‌های مأثور از رسول خدا و ائمه‌ی هدی صلوات‌الله‌علیهم به عنوان درس‌نامه‌ی زندگی و راه‌نامه‌ی بندگی خدا، جایگاهی ویژه دارند که این درس‌ها جز با پژوهش در آن متون به دست نمی‌آید.^۱

۱۲-۲) دعاها و زیارات مهدوی نیز، گنجینه‌ای سرشار از معارف مهدوی است که بسیاری از پرسش‌ها را در این مورد، پاسخ می‌گوید. در این جا نیز، جای این دریغ هست که این دعاها و زیارات، تاکنون، فقط در میان برخی از اهل دعا مطرح بوده و نه به عنوان مرجعی برای اهل تحقیق. از این رو، کتاب‌هایی مانند صحیفه‌ی مهدیه^۲ - با منتخبات و ترجمه‌های آن - در همین حد، ارزش خود را دارند که عطر نام و یاد امام عصر علیه السلام را در جامعه می‌گسترانند.

۱۲-۳) شروح دعا‌های مهدوی مانند شروح دعای ندبه، زیارت آل یاسین، و دعای افتتاح که تاکنون منتشر شده است،^۳ مطالب این دعاها و زیارات را به صورت ترتیبی (یعنی به ترتیب مطالب دعای ندبه و زیارت آل یاسین و مانند آن)

۱. تفصیل این مطلب را بنگرید: سه مقاله‌ی بایسته‌های پژوهشی صحیفه‌ی سجّادیه به قلم آقایان سید احمد سجّادی، ابوالفضل حافظیان و محسن احتشامی‌نیا، در فصلنامه‌ی سینه، شماره‌های ۷ و ۸ و ۹.
۲. نوشته‌ی حجّة‌الاسلام سید مرتضی مجتهدی سیستانی.
۳. بنگرید: کتاب‌نامه‌ی حضرت مهدی علیه السلام، نوشته‌ی آقای مهدی‌پور، به ویژه‌ی فهرست موضوعی که در پایان جلد دوم آمده است.

تبیین می‌کند.^۱ این گام - که در جای خود لازم و شایان قدردانی است - می‌تواند مقدمه‌ای برای نوشتن شروح موضوعی بر این متون ارزشمند باشد. البته جای نگرش‌های پژوهشی و نگارش‌های تحقیقی - که به قصد تدوین یک مجموعه‌ی نظام‌مند در زمینه‌ی معارف مهدوی انجام شود - هنوز خالی است.

۱۲-۴) پژوهشگر متعهد، مرحوم استاد دکتر رجب‌علی مظلومی، در زمانی که راهنمایی رساله‌ی دانشگاهی «نقش انتظار فرج در تربیت»^۲ را بر عهده داشت، کوشید تا سیمای جامعه‌ی آرمانی مهدوی را بر اساس دعای «اللَّهُمَّ ارزقنا توفيق الطاعة وبعد المعصية...» ترسیم کند. هم‌چنین مؤسسه‌ی پژوهش و مطالعات عاشورا در سال ۱۳۷۸، کتابی تحت عنوان «فراتر از اشتیاق» (تدوین: طاهره مسلمی‌زاده با مقدمه‌ی آیه‌الله شیخ محمدرضا جعفری) منتشر ساخت. این کتاب، شامل اسامی، القاب، ویژگی‌ها و اوصاف امام عصر^{علیه السلام} است که از متون دعاها و زیارات مهدوی اقتباس شده و در خلال آن، عناوینی مانند: والایبی‌های بقیة‌الله^{علیه السلام}، ویژگی‌های خاص او، برکات وجود او، گزیده‌ای از وظایف شیعیان در زمان غیبت، برکات حضور او، و... آمده است. در این کتاب کم‌برگ و پربار، ۶۸۰ جمله از ادعیه و زیارات مهدوی استخراج و به شیوه‌ی موضوعی تقسیم شده است، که آن را در جایگاه دانشنامه‌ای در معرفت امام عصر^{علیه السلام} نشانده است.

۱۲-۵) در زمینه‌ی بررسی سندی این دعاها، مقاله‌ی «مروری بر اعتبار دعای فرج (اللَّهُمَّ کن لولیک...!)» نوشته‌ی حمید احمدی جلفایی در فصلنامه‌ی انتظار شماره‌ی ۱۸، مفید و قابل توجه است.

با وجود این نمونه‌های اندک، این راه هم‌چنان ناپیموده باقی مانده و جای گام‌های بلندتر، هم‌چنان خالی است.

۱. از کتاب‌های مهمی که برای چاپ و نشر پیشنهاد می‌شود، شرح دعای ندبه نوشته‌ی استاد علامه مرحوم سید جلال‌الدین محدث ارموی است که نسخه‌ی دست‌نویس مؤلف بزرگوار نزد فرزندان ایشان است. امید است که هر چه زودتر، به تحقیق و نشر آن اهتمام کنند.

۲. نوشته‌ی خانم زهره فاتحی پیکانی، دفاع شده در دانشکده‌ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۰.

۱۳. نظرسنجی علمی در مورد آثار عقیده به مهدویت در جامعه‌ی ما

۱۳-۱) در نظام اندیشه‌ی اسلامی، ایمان، به معنی آرمان محض نیست؛ بلکه از یک سو با قوت استدلال و از سوی دیگر با عمل صحیح و خالصانه درآمیخته است؛ مانند تار و پود و نقش یک فرش که هیچ‌گونه گسستگی و گسیختگی در میان آن‌ها نمی‌توان تصور کرد. عقیده‌ی مهدویت که در این زمان، عمود خیمه‌ی اندیشه‌ی اسلامی است، باید نتایج خود را در زندگی ما نشان دهد، وگرنه شاید که با گذشت زمان، امری زائد بر زندگی تلقی شود و برخی به عنوان نوعی تشریفات عرفی به آن بنگرند، و به تعبیر بعضی از دانشمندان، عبادت، جای خود را به عادت بدهد، که در این صورت، یکی از بدترین هجوم‌ها به این عقیده‌ی استوار انجام شده است.

۱۳-۲) کدام عامل یا عوامل سبب می‌شود که یک فرد مهدی-باور، در جامعه‌ای که اکثریت آن با او توافق فکری ندارند، نه تنها عقیده‌ی خود را از دست ندهد، بلکه خود، مهدی-باور نیز بشود و دیگران را به مولای خود دلالت کند؟ این عامل یا عوامل، همان است که فقدان آن‌ها، آن روح زنده را به یک کالبد مرده یا زائد بر زندگی تبدیل می‌کند، چنان که در برخی از مردم جامعه‌ی خود می‌بینیم.

۱۳-۳) رسیدن به عوامل یادشده، از معبر برنامه‌ریزی صحیح می‌گذرد که با پاک کردن صورت مسأله منافات دارد. لازمه‌ی برنامه‌ریزی صحیح، شناخت دقیق فرصت‌ها، تهدیدها، امکانات و چالش‌هاست. لذا در نخستین گام، باید از خود پرسیم: ادعای عقیده به مهدویت در میان جامعه‌ی ما، تا چه حد مبتنی بر معرفت است؟ مبنای این معرفت چیست؟ آثار علمی آن در زندگی فردی و اجتماعی ما، چگونه خود را نشان می‌دهد؟ خاصیت بازدارندگی آن از گناهان فردی و تعدی‌های اجتماعی، در کجا نمودار می‌شود؟

جای آن دارد که کارشناسان علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در کنار اسلام‌شناسان و دین‌پژوهان، در پی پاسخ این پرسش‌ها باشند، تا مقدمات برنامه‌ریزی صحیح در جهت تربیت فرد و نسل مهدوی فراهم آید.^۱

۱. این نکته، در برخی از شماره‌های فصلنامه‌ی سفینه، در ضمن سخن مدیر مسؤول بیان شده است؛ ←

۱۴. آسیب‌شناسی نگارش‌های مهدویت

آثاری که تاکنون در زمینه‌ی مهدویت عرضه شده (اعمّ از آن‌ها که در اثبات مهدویت بوده یا انکار آن)، از آفاتی بی‌نصیب نمانده که جای آسیب‌شناسی دارد، تا مقدمه‌ی آسیب‌زدایی باشد.

از باب نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود:

۱۴-۱) تکیه و استناد فراوان به کتاب‌های *ملل و نحل*، در حالی که یک جانبه‌گرایی و یک‌سو‌نگری در این‌گونه کتاب‌ها کاملاً محسوس و مشهود است، نسبت بعضی از این کتاب‌ها به مؤلفان آن قطعی نیست و...

۱۴-۲) نسبت دادن قول یا عقیده‌ای به شخص یا گروهی بدون استناد علمی، مانند نسبت دادن عقیده به خلود امام عصر علیه السلام به شیعه‌ی امامیه^۱، نسبت‌های ناروا در مورد سرداب به شیعه^۲، یا نسبت دادن تضعیف احادیث مهدویت به قاطبه‌ی اهل تسنن^۳.

۱۴-۳) محوریت دادن به برخی شباهت‌های ظاهری میان دو عقیده، مثلاً ادّعای واقفیه و سخن شیعه‌ی امامیه.

۱۴-۴) پرداختن به اختلافات جزئی که هیچ ضرری به اصل و کلیت مطلب نمی‌زند و در تمام عقاید و احکام نیز وجود دارد. اختلاف در مورد کیفیت وضو و نماز، پیش چشم تمام مردم جهان است، ولی هیچ عاقلی، این اختلاف را دلیل بر آن نمی‌گیرد که اصل و کلیت نماز، جعل شده توسط فرد یا گروهی باشد که در اصل دین جایی نداشته باشند. همین‌گونه اختلاف در مناسک حج و شوون دیگر.

۱۴-۵) انکار مشاهدات، چنان که بعضی از نویسندگان معاصر اهل تسنن که کتاب‌های خود را در دهه‌ی اخیر نوشته‌اند، با نگاه خاص خود به عقاید شیعه، ادّعا

← ولی به جهت اهمّیت، به عبارت دیگری، و با تأکید بر مورد مهدویت، بیان شد تا در ضمن بایسته‌های پژوهشی مهدویت، به آن بیشتر توجه شود.

۱. به عنوان نمونه در کتاب اصول عقاید الشیعة الاثنی عشریة، نوشته‌ی قفاری.

۲. در این زمینه، بنگرید به مقاله‌ی «پژوهشی در مسأله‌ی سرداب» نوشته‌ی آیت‌الله سیّد محمّد مهدی خورسان ترجمه‌ی دکتر ماندنی مواساتیان، فصلنامه‌ی سفینه، شماره ۱۱.

۳. در این زمینه، بنگرید به مقاله‌ی کوتاه «حول المهدی» نوشته‌ی ناصرالدین البانی و ترجمه‌ی فارسی آن در سفینه‌ی شماره ۱۲.

می‌کنند که شیعه به دلیل عقیده به غیبت، ضرورت تأسیس حکومت اسلامی را باور ندارد و نماز جمعه و عیدین را تعطیل کرده است!

۱۴-۶) نسبت دادن هر سخنی به اسرائیلیات، بدون دلیل محکم علمی. در اصل وجود اسرائیلیات، بحثی نیست. اما اگر چنین شد که هر نویسنده‌ای سخنی را که نمی‌پذیرد، به اسرائیلیات نسبت دهد، در این صورت هیچ مجالی برای بحث و گفت‌وگوی علمی باقی نمی‌ماند. مثلاً نویسنده‌ای برای نفی طول عمر حضرت مهدی علیه السلام، طول عمر حضرت خضر و الیاس را از مطالب اسرائیلی می‌داند، فقط به دلیل این که در تورات آمده است!

۱۴-۷) مستند کردن حقایق مهدوی به رؤیا و خواب یا سخنان سست یا برداشت‌های نادرست. این سخن به معنی نفی رؤیاهای صادق نیست، ولی مبتنی کردن حقایق بر رؤیا، روشی غیرعلمی و غیرقابل دفاع است.

۱۴-۸) توضیح حقایق مهدوی بر اساس ترجمه‌ها و توضیح‌های غلط از آیات و روایات یا کلمات کلیدی آن‌ها. مثلاً کلمه‌ی «خوف» که در احادیث غیبت به عنوان یکی از علل غیبت مطرح شده، اگر به عنوان «ترس» ترجمه شود، در این صورت، در ترجمه‌ی صفت حضرتش که در زیارت آل یاسین آمده: «المهذَّب الخائف» به مشکل برمی‌خوریم و ناگزیر به توجیهاات سست روی می‌آوریم. اما اگر از همان اول، با ژرف‌نگری در لغت، آن را «عدم امنیت» ترجمه کنیم، در این صورت می‌بینیم که خوف، نقطه‌ی مقابل شجاعت نیست، بلکه متضاد «امن» است. روشن است که صفت ضد شجاعت، را در عربی «جُبْن» می‌نامند که صفت درونی نکوئیده‌ای است، به ویژه برای رهبران و مُصلحان بزرگ. ولی خوف، حالتی است (نه صفتی) ضد امن، که به دلیل موقعیت بیرونی برای هر فردی ممکن است پیش آید، حتی برای پیامبری اولوالعزم مانند حضرت موسی کلیم علیه السلام که به تعبیر قرآن: «فخرج منها خائفاً يترقب»^۱. این آیه، نه به معنای ترسیدن آن پیامبر بزرگ الاهی است، بلکه اختناقِ پدید آمده توسط فرعونیان را می‌رساند که راه را بر انجام وظیفه‌ی حضرتش بسته بود. در نتیجه آن حضرت، به امر الاهی، مدتی از شهر و

دیار خود گریخت، تا در زمان مناسب بازگردد و کاری عظیم را به سامان برساند. این، حکم عقل در مورد تمام مأموریت‌های مهم است که حتی رهبران و مصلحان بشری نیز آن را به کار می‌گیرند. حکمت غیبت امام عصر علیه السلام نیز در همین چارچوب قابل تبیین است و تفسیر آیه‌ی «و لیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً»^۱ بر این اساس، بدون شبهه روشن است.

به هر حال، نقد و بررسی دقیق و منصفانه‌ی نگارش‌های مهدوی با نگرش آسیب‌شناسی، خود می‌تواند موضوع پژوهشی جدی باشد و توجه به همان زمینه‌های آسیب‌پذیری، راه‌کارهایی در زمینه‌ی آسیب‌زدایی به ما نشان دهد. (۹-۱۴) مقالات «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت» نوشته‌ی دکتر خسرو باقری (در فصلنامه‌ی انتظار شماره ۱ و ۲)، گرچه از منظر تربیتی به بحث مهدویت پرداخته، ولی در راستای آسیب‌شناسی نگارش‌های مهدوی، قابل استفاده است.

۱۵. تقویت روح یقین

۱۵-۱) عقیده‌ی مهدویت، به ویژه در زمان غیبت، آزمونی دشوار است که ایمان‌هایی استوارتر از کوه می‌طلبد. استواری ایمان، در زمانی که همه‌ی بنیان‌های اخلاقی و عقیدتی دست‌خوش زلزله‌ها و طوفان‌های تهاجم اطلاعاتی بنیان‌کن می‌شود، کار را دشوارتر می‌سازد. از یاد نبریم که در زمانی زندگی می‌کنیم که به گفته‌ی برایان ترنر، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کمبریج:

تذبذب، به عنوان یک ارزش فرهنگی و نیز به عنوان نوعی ذهنتیت امروزی
[مطرح است] تا بتوان از فرهنگ محلی فاصله احساسی گرفت.^۲

در هجوم چنین توفانی، چگونه می‌توان نسل‌ها را بر ستون یقین تکیه داد؟ در حالی که کارشناسان به حق - عواملی مانند مواجهه با سوالات فراوان و پیش‌بینی نشده و نیز معنازدایی از جهان واقعی (رنگ‌باختن معنویت در برابر سلطه‌ی دنیای

۱. نور (۲۴) / ۵۴.

۲. بنگرید به مقاله‌ی «فضیلت جهان‌وطنی، دین در عصر جهانی شدن» نوشته‌ی برایان ترنر، ترجمه‌ی مجتبی کرباسچی، حمید پورنگ، حامد حاجی حیدری، در فصلنامه‌ی راهبرد یاس، شماره ۸ صص ۲۰۵-۲۴۰. جمله‌ی یادشده در صفحه‌ی ۲۳۵ آمده است.

مجازی) را از ویژگی‌های دنیای جدید می‌دانند.^۱

۱۵-۲) در این میان، تقویت روح یقین به باورهای استوار مهدوی، نوشداروی زهرِ تردید است تا نسل‌های امروز و فردا به باروی محکم این باور پناه آورند و از خطرات این توفان‌های پی در پی، نجات یابند.

۱۵-۳) این کار، عملی نمی‌شود مگر به دست کسانی که خود، عقیده‌ی مهدویت را، روشن‌تر از خورشید دیده‌اند و در لحظه‌لحظه‌ی زندگی خود، آن را لمس کرده‌اند. بزرگ‌مردانی هم‌چون سیدابن طاووس، صدرالاسلام همدانی و میرزا محمد تقی اصفهانی، در این زمینه کلامی گیرا و مؤثر داشتند، چون سخن آن‌ها از دل برمی‌خاست و در دل می‌نشست.^۲

اگر در تربیت چنین کسانی نکوشیم و بذر این ایمان را در دل‌ها نکاریم، از تکرار فراوان الفاظ و برگزاری مجالس فراوان نباید انتظار تغییر فرهنگ درون انسان‌ها را داشته باشیم. به تعبیر شاعر:

نام فروردین نیارد گل به باغ شب نگردد روشن از نام چراغ

۱۵-۴) بدیهی است که بهره‌گیری از ابزارهای علوم تربیتی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی، یا هنرهایی مانند شعر، گرافیک، نمایش، صوت و تصویر، می‌تواند به انتقال این حقایق به ژرفای درون انسان‌ها کمک کند؛ ولی در هر حال، روح کلی همان است که گفته شد و باید بدان اندیشید و راه کار مفید را یافت.

۱. بنگرید به مقاله‌ی «جامعه‌پذیری دینی در جامعه‌ی اطلاعاتی» نوشته‌ی کریم خان محمدی، در فصلنامه‌ی شیعه‌شناسی، شماره‌ی ۱۶، صص ۷-۳۴.
۲. بنگرید به مقاله‌ی «باورداشت امامت- مهدویت در مکتب سامرا» نوشته‌ی حسین مفید، در فصلنامه‌ی سفینه، شماره‌ی ۱۱، صص ۱۰۳-۱۴۰.